

شرایط امکان علوم اجتماعی در فلسفه غرب و فلسفه متأخر اسلامی

نگاهی تطبیقی به فلسفه اجتماعی ایمانوئل کانت و علامه طباطبایی

ابوالفضل مرشدی

بامقدمه محمدعلی مرادی



فهرست

- پیشگفتار ۱۳
- فصل ۱: طرح مسئله ۲۳
- مقدمه: محل مناقزه علوم اجتماعی در ایران ۲۳
- ازجاکنندگی معرفتی ۲۹
- کانت و ازجاکنندگی معرفتی ۳۲
- علامه طباطبایی و تکانه معرفتی ۳۵
- فصل ۲: ملاحظاتی در باب رویکرد نظری و روش‌شناسی ۴۳
- تجدد و تحول در متافیزیک ۴۴
- علم جدید و تصویر واپسین از جهان ۴۶
- تناظر ساختار مفاهیم متافیزیکی و ساختار مفاهیم سیاسی و اجتماعی ۵۰
- مفاهیم آبتن مفاهیم اندیشه جدید ۵۲
- تحول در متافیزیک و «شرایط امکان» علوم جدید ۵۷
- تحول در منطق و «شرایط امکان» علوم جدید ۵۹
- بخش اول: ایمانوئل کانت ۶۳
- فصل ۳: کانت، ازجاکنندگی معرفتی و انقلاب کوپرنیکی ۶۵
- مقدمه ۶۵

| | |
|-----|--|
| ۱۳۸ | سنجش قوه حکم غایت شناختی |
| ۱۴۲ | غایت شناسی و الهیات |
| ۱۴۴ | دیالکتیک سنجش قوه حکم غایت شناختی |
| ۱۴۹ | فصل ۴: انسان در اندیشه کانت: سوژه خودبنیاد |
| ۱۵۰ | ۱-۴) سوژه در قلمرو شناخت |
| ۱۵۳ | ۲-۴) سوژه در قلمرو زیباشناسی و غایت شناسی |
| ۱۵۴ | ۳-۴) سوژه در قلمرو اخلاق |
| ۱۵۵ | انسان: بعد حیوانیت و بعد شخصیت |
| ۱۵۹ | آزادی انسان و ضرورت طبیعت |
| ۱۶۲ | اراده خیر: فضیلت و قداست |
| ۱۶۵ | امر مطلق و خودآیینی اراده |
| ۱۶۸ | ۴-۴) انسان غایت نهایی آفرینش |
| ۱۷۰ | ۵-۴) وضعیت تراژیک انسان |
| ۱۷۳ | فصل ۵: خدا در اندیشه کانت: از الهیات نظری تا الهیات اخلاقی |
| ۱۷۳ | خداوند: اصل تنظیمی خرد نظری و اصل موضوعه خرد عملی |
| ۱۸۳ | کاربرد درون ماندگار و تراگذرنده الهیات اخلاقی |
| ۱۸۴ | گمان، دانش، ایمان |
| ۱۸۵ | دین و حیانی-تاریخی و دین عقلانی-طبیعی |
| ۱۹۰ | ایمان رهایی و ایمان بردگی |
| ۱۹۲ | جمع بندی: کانت و تثبیت «منطق تکوین» و «متافیزیک سوژه» |
| ۱۹۵ | فصل ۶: اجتماع انسانی و شرایط امکان علوم اجتماعی نزد کانت |
| ۱۹۵ | مقدمه: کانت در امتداد روسو |
| ۲۰۰ | انسان شناسی پراگماتیک |
| ۲۰۴ | مشیت الهی و طرح پنهان طبیعت |
| ۲۰۷ | خرد انسان برای تحقق غایت طبیعت |

| | |
|-----|--|
| ۶۶ | دوران سنجش (نقد) و پروژه سنجش خرد |
| ۷۰ | ۱-۳) انقلاب کوپرنیکی در شناخت: سنجش خرد ناب (نظری) |
| ۷۱ | سنجش استعلایی |
| ۷۳ | حساسیت و فاهمه: دو خاستگاه شناخت |
| ۷۳ | زمان و مکان: دو صورت ناب شهود حسی |
| ۷۸ | فاهمه: زادگاه مفهومها و اصل (آغاز)های پیشینی |
| ۸۳ | اصل برتر شناخت: «من می اندیشم» |
| ۸۶ | دستاورد سنجش استعلایی: شرایط امکان علوم طبیعی در فاهمه انسان |
| ۸۹ | دستاورد سنجش استعلایی: آشکار کردن کرانه های شناخت انسانی |
| ۹۰ | پدیده و شیء، فی نفسه |
| ۹۳ | خرد و دیالکتیک استعلایی |
| ۹۳ | فاهمه و خرد: اصل های درون ماندگار و تراگذرنده |
| ۹۷ | ایده های خرد ناب |
| ۱۰۳ | قیاس های تراگذرنده و دیالکتیکی |
| ۱۰۳ | مغالطه (پارالوژی) |
| ۱۰۴ | تعارض (آنتینومی) |
| ۱۰۸ | کاربرد «تنظیمی» اصل خرد |
| ۱۱۲ | ایدئال خرد ناب |
| ۱۱۵ | ۲-۳) انقلاب کوپرنیکی در اخلاق: سنجش خرد عملی |
| ۱۱۶ | اصل خرد عملی: امر مطلق |
| ۱۲۰ | آزادی و قانون اخلاق |
| ۱۲۳ | خیر و شر: مفاهیم خرد عملی |
| ۱۲۴ | مقولات آزادی |
| ۱۲۶ | جدول مقولات آزادی با توجه به مفاهیم خیر و شر |
| ۱۲۹ | خرد عملی در جستجوی «خیر اعلا» |
| ۱۳۳ | ۳-۳) انقلاب کوپرنیکی در غایت شناسی: سنجش قوه حکم |
| ۱۳۴ | قوه حکم: تعینی و تأملی |

| | |
|---|-----|
| اجتماع مدنی، شرط صوری تحقق غایات طبیعت..... | ۲۰۸ |
| «تضاد» در اجتماع انسانی و خصلت «جامعه‌پذیری غیراجتماعی» انسان..... | ۲۰۹ |
| نظام جهان‌وطن و صلح پایدار..... | ۲۱۳ |
| جامعه حقوقی-مدنی و جامعه اخلاقی-مدنی..... | ۲۱۶ |
| الهیات درون‌ماندگار و جامعه اخلاقی-مدنی..... | ۲۱۹ |
| جمع‌بندی: کانت و شرایط امکان علوم اجتماعی..... | ۲۲۳ |
| بخش دوم: علامه طباطبایی..... | ۲۲۵ |
| مقدمه:..... | ۲۲۷ |
| فصل ۷: اهمیت و جایگاه علامه طباطبایی در اندیشه اجتماعی معاصر ایران..... | ۲۲۹ |
| ۱. توجه به علوم عقلی و فلسفه و ارائه صورت‌بندی عقلانی از مباحث کلامی..... | ۲۳۰ |
| ۲. احیای اندیشه اجتماعی در اسلام و توجه به بنیان‌های نظری و فلسفی اندیشه اجتماعی..... | ۲۳۴ |
| ۳. مدارا و گشودگی نظر نسبت به سنت‌های دینی و معنوی دیگر..... | ۲۳۵ |
| زمینه‌های اجتماعی و معرفتی علامه طباطبایی..... | ۲۳۶ |
| کدام علامه؟ تفسیرهایی از علامه در ایران معاصر..... | ۲۴۱ |
| ۱. علامه، نشانه و تأییدی بر «امتناع اندیشه در سنت»..... | ۲۴۱ |
| ۲. علامه، نشانه اعوجاج و تذبذب سنت در مواجهه با عصر جدید..... | ۲۴۳ |
| ۳. علامه، ارائه «مفاهیم آبتن مفاهیم جدید» در سنت..... | ۲۴۶ |
| فصل ۸: علامه؛ تکانه معرفتی و طرح «معرفت» به عنوان «مسئله» فلسفی..... | ۲۵۱ |
| ادراکات نظری و عملی..... | ۲۵۳ |
| معلومات فطری..... | ۲۵۵ |
| معقولات اولیه و ثانویه..... | ۲۵۷ |
| علم حضوری و حصولی..... | ۲۵۹ |
| حکم کردن (اعتبار کردن)..... | ۲۶۲ |
| معقولات ثانویه فلسفی: گامی به سوی فلسفه نیمه‌رتالیستی..... | ۲۶۴ |

| | |
|---|-----|
| فصل ۹: خدا در اندیشه علامه: خدای صانع و فیاض..... | ۲۶۷ |
| مقدمه..... | ۲۶۷ |
| فطرت و عقل، راهی به شناخت خدا..... | ۲۶۸ |
| خدا صانع و علت مطلقه هستی..... | ۲۷۱ |
| جهان به مثابه نظام سلسله‌مراتبی و غایتمند..... | ۲۷۳ |
| فصل ۱۰: انسان در اندیشه علامه: انسان خداآیین..... | ۲۷۷ |
| انسان موجودی رو به سوی غایت هستی..... | ۲۷۸ |
| اعتباریات عملی..... | ۲۸۱ |
| اعتبار «و خوب»..... | ۲۸۳ |
| اعتبار «حسن و قبح»..... | ۲۸۴ |
| اعتبار «باید به تمامیت برسی»..... | ۲۸۵ |
| فطرت و عقل به مثابه پیغمبر باطنی و خداآیینی..... | ۲۹۰ |
| نقص فطرت و عقل و ضرورت وحی: نظام تشریح، متمم نظام تکوین..... | ۲۹۱ |
| وحی: شعور مرموز انسان..... | ۲۹۴ |
| خدا و انسان و «امر بین‌الامرین»..... | ۲۹۷ |
| جمع‌بندی: «تمامیت» مبتنی بر «خودآیینی» و «خداآیینی»..... | ۲۹۹ |
| فصل ۱۱: اجتماع انسانی و شرایط امکان علم اجتماعی نزد علامه..... | ۳۰۳ |
| تمامیت انسان در گرو اجتماع..... | ۳۰۳ |
| قریحه «استخدام» و «اعتبار اجتماع»..... | ۳۰۴ |
| تحقق اجتماع انسانی در گرو فیض الهی؛ وحی مکمل فطرت و عقل..... | ۳۰۹ |
| تکامل اجتماع انسانی از وضعیت طبیعی تا «امت الهی» مبتنی بر فطرت و وحی..... | ۳۱۱ |
| حکومت دین..... | ۳۱۹ |
| اهمیت فطرت (عقل) و اخلاق دینی در حکومت دینی..... | ۳۲۱ |
| از عقل عقلی به عقل نقلی؛ از اخلاق اجتماعی به اخلاق عرفانی..... | ۳۲۴ |
| جمع‌بندی: علامه و «شرایط امکان» علوم اجتماعی..... | ۳۲۶ |
| خلاصه و نتیجه‌گیری..... | ۳۲۹ |

منابع فارسی..... ۳۴۷

منابع انگلیسی:..... ۳۵۹

نمایه..... ۳۶۳

پیشگفتار

علوم اجتماعی در معنای جدید آن ناشی از تغییر در مبانی علوم در دوران جدید است. این تغییر در مبانی، نخست با ظهور درک دیگری از طبیعت و تغییر نسبت انسان با طبیعت صورت گرفت. در این بستر بود که علوم طبیعی جدید پدید آمد. انسان اکنون دریافته بود که می‌تواند طبیعت را بر ساخت کند و از رهگذر این بر ساخت، قانون‌مندی را در جهان طبیعت بیابد. در همین بستر بود که علوم اجتماعی جدید نیز ظهور یافت. انسان می‌خواست از طریق این علوم، قانون‌مندی را در پهنه و سپهر جامعه دریابد. این ظهور که در رابطه‌ای تنگاتنگ با تغییرات بزرگ در عرصه جامعه صورت گرفت، از جنبه اندیشه وام‌دار تلاش‌ها و عرق‌ریزان روح متفکران و به ویژه فیلسوفان در حوزه‌های مختلف است؛ از جمله گالیله، بیکن، اویلر، نیوتن در علوم طبیعی و هابز، لاک، ولتر، مونتسکیو و آدام اسمیت در علوم انسانی. در واقع اندیشه جدید بیش از همه در چالش و تقابل با اندیشه ارسطو سامان گرفت. این تقابل اندیشه جدید با اندیشه ارسطو به روشن‌ترین وجه در اندیشه هابز نمایان است. این تقابل را می‌توان در محورهای زیر برشمرد: الف) انسان‌شناسی ارسطو مبتنی بر همکاری سیاسی است اما انسان‌شناسی هابز مبتنی بر درگیری و تنش است. ب) جوهر ارسطو در هماهنگی کامل در طبیعت است اما